

حماسه‌ی دوازده سواره‌ی مریوان

دوازده سواره‌ی مریوانی: [سلیم بیگ عموی احمد پاشا بایان، جوامیر آغای رنگینه: «نام‌دار به پلنگ پنجه خونین» از دوستان نزدیک سلیم بیگ، زینل بیگ مصرف. آغال آغای سیویلی، دارا آغای میره‌ده. اکرم ملا حمزه: «پسر ملا حمزه اوغانی»، فرامرز زنگنه، سوار آغای بلباس. میمند آغای میراؤدلی، زلال آغای میرگه‌یی، میران بیگ و لد بیگی و چلب قدیمی.] بعداً سه نفر بنامهای محمود بیگ قدیمی باش چاوش، شاهپور آغای بختیاری و صاحبقران به آن دوازده سوار پیوسته‌اند و تصمیم گرفتند تا به شیوه شیخون بر هزاران لشکر سلیم پاشا حاکم قبلی مخلوع بابان بتازند، سلیم پاشا بابان بعد از فرار به ایران به کریمخان زند متوسل شده بود که برای تصاحب (قلا چوالان) مقر حکومت خود، او را یاری دهد، خان زند لشکری در اختیارش نهاد تا از راه مریوان «قلا چوالان» را از تصرف احمد پاشا بابان بیرون آورند. سپاه سلیم پاشا که به مریوان رسیده بودند و در قلائی میزدانه و ارتفاعات مریوان سنگر گرفته بودند که پس از استراحت و جمع و جور شدن بر قلعه «... قلعه چوالان» هجوم برند و آنرا تسخیر نمایند. اما دوازده سواره‌ی نامدار مریوان، سپاه سلیم پاشا را غافلگیر و با شیخون حماسه آفریدند و آن سپاه را تارومار کردند، حماسه‌ای غرورآفرینی بوجود آوردند که جزو فولکلور ملی و در زبان و ادبیات کُردی جا خوش کرده است، یک داستان واقعی و یک حقیقت تاریخی است، در آن گیر و دار احمد پاشا شاهک بابان (۸۰ - ۱۷۶۳ م) در ده قیماشه: Caymasa در نزدیکیهای [ده‌سرا و] خیمه زده بود. آن دوازده سواره‌ی مریوان پس از مشورت کردن، قرار گذاشتند حتی بدون اطلاع احمد پاشا حمله را شروع نمایند زیرا معتقد بودند که احمد پاشا به همچو کار خطرناکی را اجازه نمیداد.

بهرحال تصمیم دوازده سواره‌ی مریوان بر آن شد به چند دسته تقسیم شوند، دسته اول از راه دریاچه زربار Zarbar از راه ده (ینگجه) و بالای (سیو) بسوی (گالان) بروند، در

(دولاش) دره‌ی آسیاب یا (ته‌ی: طی) دسته‌ی دوم از (بیزه) و سومی در (موسک) و چهارمی هم در (داسیر) موضع بگیرند، تا آسان بتوانند تپه‌ی پشت (قلعه‌ی میردانه) و ارتفاعات مریوان را محاصره کنند و مجال به سپاه سلیم پاشا ندهند. این دوازده شیر نر و آتشپاره‌ی بی‌باک قرار گذاشتند که پس از استقرار در مکانهای تعیین شده، اکرم ملا حمزه آن جوان غول‌آسا نعره‌ی حمله را بکشد و آنگاه بقیه‌ی سواران نعره زنان و برق‌آسا هجوم و شیبخون را شروع نمایند و برای اغوای دشمن بر طبلها بزنان که بر زین آسپان بسته بودند. نعره‌ی اکرم چون دیوان هفت خوان تنوره کشید و در گوش سپاهیان دشمن پیچید و لرزه بر اندامشان انداخت و این حماسه‌ی اعجاب‌انگیز که دشمن را تار و مار کرد، به معجزه شبیه بود. تا جنگ و جانبازی دوازده سوار مریوان که آن سپاه عظیم را غافل‌گیر و نابود کردند، و بدینگونه نام آن نام‌آوران به تاریخ پیوست. نک: کتاب امرای بابان نوشته‌ی توفیق قنطان، تاریخ سلیمانیه و آنجائها تألیف علامه امین زکی بیگ ترجمه به عربی توسط استاد جمیل روژیانی که نسخه‌ای از این کتاب در دانشسرای عالی تهران موجود است. جزوه‌ای که شاعر و نویسنده و فیلسوف نامی (پیره‌میرد) آنرا نوشته است و کتاب حماسه‌سازان گمنام نوشته حبیب‌الله تابانی انتشارات نگاه سبز چاپ ۱۳۸۱ ش تهران.